

# درباره تاریخ اوغوزهای آسیای مرکزی و قزاقستان

## سرگی گریگوریچ آجاجانف

پروفسور و دکتر علوم تاریخ - عضو آکادمی علوم ترکمنستان شوروی (سابق)  
نشریه آکادمی علوم ترکمنستان شوروی. سال 1977. شماره چهار.

### ترجمه از: رحیم کاکایی

قبایل اوغوز، در کنار دیگر کوچ نشینان اورآسیا، نقش مهمی در تاریخ قرون وسطی آسیای غربی و اروپای شرقی بازی کردند. ورود اوغوزها به عرصه تاریخ جهانی در دوره ای پراز رویدادهای متلاطم و شدید رخ داد. این امر مصادف بود با دوران نابودی دولت سامانیان و آل بویه، از هم پاشیدگی و فروریزی دولت عزنوی و افول امپراتوری بیزانس.

رخداد مهم دوره مورد نظر تشکیل امپراتوری سلجوقیان و آغاز جنگ های صلیبی بود، از این رو سرنوشت تاریخی اوغوزها بطور تنگاتنگ با بسیاری مناطق خاور نزدیک و میانه، جنوب غربی آسیا و آسیای صغیر درهم تنیده است. رد و اثر چشمگیری را قبایل اوغوز در تاریخ دریای سیاه، جنوب روسیه و شبه جزیره بالکان گذاشتند.

به دلیل اهمیت تاریخی خود موضوع اوغوز از دیر باز توجه پژوهشگران را بخود جلب کرده است. با این حال با وجود این هنوز بسیاری مسائل حل نشده و بحث انگیز وجود دارند. مسئله بسیار بغرنج و پیچیده در اینجا، مسئله تاریخ اتنیک اوغوزها است.

تا بحال موضوع منطقه وزیستگاه اولیه اوغوزهای آسیای مرکزی و قزاقستان روشن نیست. [1]. بدیهی است که مراحل نخستین شکل گیری و پیدایش اوغوز، یا گروه بندی اوغوز اولیه (نیای اوغوز، اوغوز بدوی- مترجم) با منطقه غرب هفت رودخانه (\*1) مرتبط بود. در پردازش و داده کاوی روایتیهای تاریخی اوغوزها و مطالعات باستان شناسی سالیان اخیر در حمایت از چنین تفکرو نظریه ای حکایت دار [2].

در روایتیهای تاریخی قرون وسطی اشاره می شود که قرارگاه یکی از نخستین اجداد افسانه ای قبایل اوغوز در کرانه دریاچه ایسیک - کول بوده است. باید در این روایتها خاطرات آن گروههای قبیلای اوغوزی که زمانی در ناحیه هفت رودخانه زندگی میکردند حفظ شده باشد. در این رابطه جالب توجه است یادآور شود که هنوز در سده یازده در میان اوغوزها روایت درباره زمان های دور هنگامیکه آنها در همسایگی چیهیل ها [چبگیل ها] (\*2) زندگی میکردند حفظ شده بود.

محمود کاشغری اشاره میکند که بین اوغوزها و چیگیلها (چیپیلها) روابط خصمانه ای وجود داشت. ترکها - چیگیلها که در سده های هفت و هشتم میلادی در ترکیب خانات ترکی غرب (\*3) وارد شدند، از قرار معلوم در کرانه جنوبی دریایچه ایسیک کول زندگی میکردند [3].

همه اینها نشان میدهد که در تعریف و بازگویی محمود کاشغری خاطراتی از دوران هایی که اوغوزها و چیگیلها نزدیک ایسیک کول زندگی می کردند حفظ شده است. سرنوشت بعدی این قبایل اوغوز در منابع موثق و معتبر دنبال نمیشوند. اما در روایت های تاریخی اوغوزها که در آثار رشیدالدین و دیگر تاریخ نگاران حفظ شده اند، برخی داده ها وجود دارند که امکان صحبت درباره حرکت و جابجایی آنها از شرق به غرب در استپهای اوراسیا را میدهند.

در داستان هایی درباره فتوحات اوغوز - خان اشاره میشود که دوران مبارزات و اردو کشی های متعدد خود وی به آلتاغ و مناطق آلمالیق (\*4) دست یافته است. اوغوزخان گروهی از سپاهیان سالمند خود را در آلمالیق در محل آق - کایا (قایا) اسکان داد. او سپس به شمال سرزمین های کیرکها (قیرقها) و باشکوردها اردو کشی کرد و آنجا قلعه لوگر را تصرف کرد.

در این عملیات و کارزار نظامی ده هزار خانواده اوغوز که آق - توغرا - اوغوز نامیده میشدند شرکت کردند. سپس اوغوزخان کویر و بیابان بی آب علفی را طی میکند و بزودی به رودخانه ایتیل (\*5) میرسد.

رزمندگان و جنگجویان اوغوز در محل آن - قاراقول (قره گول) توقف کردند، و از آنجا راهی تالاس (منطقه ای در قیرقیزستان مترجم) و آلمالیق [4] شدند. در این روایت عنوان آق - توغرا - اوغوز توجه ویژه ای را به خود جلب می کند، که ده هزار خانواده ی اوغوز به آن پیوسته است. مسلما خود رقم در اینجا نقش معینی را بازی نمیکند، چونکه آن مشروط است.

به مراتب مهمتر این است که در این اصطلاح مشهود اتنو(قومی) - سیاسی عناصر آق (خدنگ، قوم، قبیله) و توغرا (طغرا، مهرخان، امرخان) وجود دارند. اجزاء و مولفه های این اصطلاح مورد بررسی گویای ارتباط و پیوند گسترده آنها با سمبول موجود و شایع میان کوچ نشینان در شکل خدنگ هست.

جالب است اشاره کرد که دیرتر خدنگ و کمان در حکم آرم و نشان اوچوکها (اوچوق) و بوزوکها (بوزوق) - دو قبیله هم تبار بر جسته اوغوز بکار برده شدند [5]. منابع تاریخی حکایت از آن دارند که در میانه سده هشتم رویدادها و تحولات بزرگی در آسیای مرکزی رخ داده است. این مسئله با مبارزه شدید بین قبایل ترک پس از مرگ خانات (قلمرو حکومت خان) ترکی غرب مرتبط بود. در جریان مبارزات تسخیر فدراسیون توسط قبیله قارلوق عملی شد و جای پای را در هفت رودخانه بدست آورد.

داده های باستان شناسی حکایت از آن دارند که در دوران مورد بررسی حرکت و جابجایی کوچندگان از جتی سو (ژتی سو؛ یدی سو؛ هفت رود، هفت آب. مترجم) بسوی کوهپایه ها و بخش سفلی سیردریا انجام گرفته است. بدیهی است بر اثر درگیری و برخورد با قارلوقها که چیگیلها جزو آنها بودند، اوغوزها مجبور شدند محدوده های هفت رودخانه را رها کنند و به حوضه سیردریا و به منطقه دریای آرال، جاییکه با پچنگ - کانگار (قانگار) مواجه شدند بروند [6].

آنها در جنگها و درگیری های چندین ساله بر اتحادیه ی کانگار- پچنگ غلبه کردند و استپ های منطقه غربی دریای آرال و منطقه شمالی خزر را تصرف کردند. مبارزه طولانی با پچنگ ها به تقویت سیاسی، تشکیل و شکل گیری اتحادیه قبایل اوغوز در قرون دهم – یازدهم کمک کرد. در چارچوب این اتحادیه اتنوس (قومیت، مردم، ملیت، ملت. مترجم) اوغوز در مناطق آسیای مرکزی و قزاقستان صورت می گیرد.

شکل گیری و سازند اوغوزها بمثابة همبود تاریخی با همه روند تکامل پیشین انتیکی در وادی سیردریا، در منطقه دریای آرال و منطقه شمالی دریای خزر آماده میشود.

در سده های هشتم – نهم در ترکیب جمعیت بیابانی باستانی این منطقه عناصر نوین ترک زبان هفت رودخانه ( هفت آب، هفت رود ، یدی سو. مترجم) و دارای منشاء غرب سیبری وارد میشوند. ایجاد دولت یابغو (حاکم عالی) سیردریا با مرکزیت آن در شهر یانغیکنت (6\*) نقش بزرگی در تحکیم و تثبیت انتیکی اوغوزها بازی کرد. ورود کنندگان طوایف و قبایل ترک زبان در ترکیب این قدرت های صحرا نشین با عنوان کلی « اوغوز» نامیده شدند.

کنفدراسیون اوغوز بر اساس ادغام، همگون سازی (آسیمیلاسیون. مترجم) و سنتز قومی بین عناصر تازه وارد و بر پایه بستر محلی تشکیل شد. به این کنفدراسیون سایر اوغوزهای مغلوب پچنگ – کانگارها (کانقارها) و دیگر قبایل استپ نشین وادی های سیردریا، منطقه دریای آرال و منطقه شمالی خزر وارد شدند. بین آنها قبایلی با منشاء هند و اروپایی وجود داشتند که کم و بیش در معرض ترکی شدن قرار گرفته بودند.

از جمله این امر به مردم آلان و آسا ، ساکن استپ های بین دریای آرال و سواحل شرقی دریای خزر صدق میکند. بدیهی است که همین آمیختگی و اختلاط با جمعیت صحرا نشین منطقه غربی دریای آرال جاییکه پیش از اوغوزها در سده های هشتم- نهم باچگارد (باچغارد) [ نیای قبایل باشقیر در آسیای مرکزی. مترجم]، نوکارد و باجن زندگی میکردند صورت گرفت [7].

همچنین عناصر ترک زبان با منشاء منطقه هفت رودخانه در ترکیب اتنوس (ملت، ملیت، قومیت، مردم. مترجم) اوغوز که در سده های نهم و دهم تشکیل شده بود وارد شدند. پیش از همه اینها گروه های جداگانه قارلوق ها بودند که در سده های نهم و دهم به همراه اوغوزها بسمت سیردریا رفتند.

نویسندگان سده های میانه و روایات اوغوزها همچنین از الحاق و پیوستن خالاج ها و دیگر قبایل ترک مناطق غربی به آنها سخن می گویند. از جمله آنها واحد جاغرا (شاغرا) و ترکهای چاروق که در سده هشتم در دره چو و تالاس (در قزاقستان در منطقه ای نزدیک به قیرقیزستان. مترجم) زندگی میکردند بودند. بدیهی است نوادگان چاروق ها (چاروک ها) جاروکلوغی (جاروکلوغی) بودند، که بعنوان یکی از اقوام اوغوز در سده یازدهم اشاره شده بود [8].

در شکل گیری و سازند این اوغوزها قوم های به لحاظ انتیکی متنوع زبانی با منشاء ترک شرقی شرکت کردند. مهمترین نقش را در اینجا واحدها و بخش های جداگانه بزرگ یمکو- کیماک (قیماق) و قبایل دیگر بازی کردند. از جمله آنها میتوان از بایندورها، ایموورها و قای نام برد که انبوه اصلی آنها بین دورودخانه آب و ایرتیش (7\*) زندگی میکردند.

به احتمال زیاد این واحد ها متحدین رهبران اوغوز در مبارزه آنها با اتحادیه پچنگ - کانگارها (کانقارها) در دره سیردریا و منطقه دریای آرال بودند. معلوم میشود در منطقه غرب پس از شکست از پچنگ ها، آنها بمرور زمان جزو اوغوزهای قزاقستان جنوبی و غربی شدند.

شکل گیری جامعه انتیکی و قومی اوغوز در آسیای مرکزی و قزاقستان بدین ترتیب پروسه ای پیچیده و نسبتا طولانی بود. در ترکیب اوغوزها هم زیرلایه های انتیکی باستانی (بطور کلی ترک شده) کوهپایه های سیردریا و آرال - استپ های خزر و هم طوایف و قبایل کوچ نشین و نیمه کوچ نشین ژتی سو (یدی سو - هفت آب، هفت رودخانه مترجم) و سیبری وارد شدند.

هسته اولیه گروه بندی اوغوز که بعدا در اتحاد بزرگ قبایل استحکام یافت، احتمالا در هفت رود شکل گرفت. با این حال به همان اندازه حرکت خود به غرب این هسته اولیه بطور قابل توجهی به حساب جمعیت کوچ نشین و نیمه کوچ نشین سیردریا، منطقه دریای آرال و منطقه شمالی دریای خزر کاملتر شد.

پیامد این پروسه های چند سویه تشکیل و تاسیس جامعه انتیکی نوین بود که متمایز از نتایج اجزاء خود بود. اوغوزها به چندین قبیله تقسیم که در آن بسیاری واحد های طایفه ای داخل میشد.

ترکیب قبیله ای اوغوزها ی سده نهم - اواسط سده یازدهم، متاسفانه مشخص نیست. در "دیوان لغات آت (محمود کاشغری مترجم) - شناخته شده تنها در نیمه دوم سده یازدهم، آنها 22 قبیله (ترک) برآورد شدند " که بقرار زیر در فهرست قبایل اوغوز ارائه شدند:

قینیق، قایبغ (کایبغ - کایبگ)، بایندور، بیوا (ایوا)، سالور، افشار، بکتیلی (بیگدلی)، بوکدوز (بوگدوز)، بایات، یازغیر (یازیر)، ایمر، قارا - بولاق، آلفا بولاق، ایگدیر، اورگیر (اوره گیر)، توتیراق، اولاییوندولوغ (آلایونتلی)، توگر (دوگر)، چینی، چینه، چوولدور (چاوولدور)، چاروق لوغ [9]

محمود کاشغری مدعی است که اوغوزها در ابتدا از 24 قبیله عبارت بودند. اما دیرتر مولفان بویژه مروزی (8\*) روی هم رفته از 12 قبیله سخن میگویند. اختلاف منابع را، احتمالا میتوان با ویژگی دوگانه بخش و واحداوغوزها به دو ایزوگامی [وابسته به برون همسری یا برون پیوندی مترجم] خویشاوندی (تبارخونی) و بومی توضیح و روشن کرد.

اوغوزهای تقسیم شده به بوزوکها و اوچوکها به نسبت به جناح راست و چپ ارتش آنها وارد شدند. هریک از این گروه های بزرگ شامل 24 قبیله بود، که به نوبه خود به دوبرخ مساوی تقسیم شده بود. بنابر روایات تاریخی اوغوز، بوزوکها در شمار قبایل «ارشد - بالا دست» و اوچوکها - در شمار قبایل «زبردست - کوچک» بودند. بوزوکهای جناح راست از امتیاز بزرگی (در مقایسه با اوچوکها) هنگام «انتخاب» خان ارشد و والا برخوردار بود.

بدیهی است که بعدا جدایی بوزوکها و اوچوکها ویژگیها و خصایص سازمان نظامی - منطقه ای بخود گرفت. نیروهای نظامی هر دو جناح اوغوز برای خود چراگاه ها، مراتع و زمینهای کشاورزی ثابت و متمرکز داشتند. تقسیم بوزوکها و اوچوکها معادل با مفهوم اوغوزهای «درونی» و «بیرونی» [خارجی مترجم] بود. در ترکیب آنها «اصیلها»، «متولد شدگان از معشوقه ها - برده ها» و «ملحق شدگان» به طوایف و قبایل اوغوز تفاوت داشتند [10].

تقسیم بندی قبیله ای و قومی موجود در سده یازدهم بین اوغوزها بوی، ابا و کک (کوک) نامیده میشود. بر اساس «دیوان لغت الترك» و دیگر منابع بین اوغوزها بوی بطور کلی معنی قبیله را داشت.

اصطلاح ابا وگک (کوک) احتمالاً بیشتر (بویره) برای تقسیم بندی های (واحد‌های) قبیله ای بکار برده می‌شود. قبیله ی اوغوز (ابا) در ابتدا اتحادیه خویشاوندی (تبارخونی) بود که اعضای آن اصل و نسب خود را به نیای مشترک می‌رساند.

اما با تکامل مناسبات آنتاگونیستی و آشتی ناپذیر طبقاتی، ابا کاراکتر بدوی - اجتماعی و مشترک اتحادیه خویشاوندی (تبارخونی. مترجم) خود را از دست داد. قبایل اوغوزی بیشتر با نسب و یا شجره نامه افسانه ای مرتبط بودند تا واقعی.

اوغوزها همچنین به اوروغ‌ها و آیماق‌ها که در حکم جامعه کوچ نشین و نیمه کوچ نشین را داشتند تقسیم شدند. اصطلاح اوروغ برای تقسیم بندی و واحد قبیله ای نشانه گذاری شد و از پاترونومی (\*9) طایفه‌ها و خانواده‌های نامی و اعیان تشکیل می‌شود.

اوروغ‌ها و دیگر گروه‌های قومی - قبیله ای اوغوزها به این یا آن *yky* " تعلق داشتند [گویا تقسیم بسیاری قبایل ترک به استخوان سیاه و سفید امری عادی بوده است. مترجم].

قبایل و طایفه‌های اوغوز جزو اتحادیه‌های قبیله ای بسیار بزرگتر بودند. چنین انجمن‌ها و واحدهای بزرگ که معمولاً ایل نامیده می‌شد، معنی مردم و دولت را داشت. اما سازمان قومی و قبیله ای اوغوزها بر اصل خویشاوندی خونی (تبارخونی. مترجم)، خاص نظام اجتماعی بدوی (یا جامعه ما قبل تاریخ. مترجم) بنیان گذاری نشده بود. در واقع اوغوزها تقسیم می‌شدند به جوامع کوچندگان، نیمه کوچندگان، یکجا نشینان و نیمه ساکن که پوسته قدیمی قومی - قبیله ای آن حفظ می‌شد.

اکثریت اوغوزها در سده‌های نهم و یازدهم زندگی نیمه کوچ نشینی و کوچ نشینی می‌کردند. مجموعه فشرده ای از آنها شمال منطقه خزر، سفلی سیردریا و بیابان‌های پیرامون دریای آرال سکنی داشتند. در میان اوغوزها (بطور عمده اسکان آنها در منطقه بیابانی است) نوع نژاد مغولی برتری داشت.

در سده دهم ال مسعودی درباره اوغوزهای منطقه آرال می‌نویسد: « آنها (منظور نوع نژاد مغولی. مترجم) - بسیار کوچکتر از (ترکها) هستند و چشمان بسیار ریز دارند» [11]. دیگر نویسندگان دوران سده‌های میانه بطور ناقص اشاره و یادآوری می‌کنند به موهای صورت و بدن و ساختار نوع چهره اوغوزها.

همه اینها حاکی از ویژگی‌های قیافه مغولی هستند که مختص توده‌های اصلی بطور عمده اوغوزهای استپ نشین بودند [12]. داده‌های کتبی سده‌های دهم و دوازدهم درباره ظاهر فیزیکی اوغوزها توسط برخی مواد و مطالب پالئونترولوژی [دیرین‌شناسی و انسان‌شناسی - مردم‌شناسی دیرین. مترجم] تأیید می‌شوند.

در میان جمجمه‌های یافته شده در تپه‌های اوغوز - پچنگ غرب قزاقستان انواع مغولی با قیافه‌های سیبری جنوبی برتری دارند. اما در اینجا همچنین جمجمه قیافه نژاد قفقازی (نژاد سفید. مترجم) و بومی یافت شدند [13].

فرایند فشرده‌تر ادغام (آسیمیلیسیون) اتنیک، احتمال می‌رود بین اوغوزهای مناطق جنوبی و غربی آسیای میانه بوقوع پیوسته است. تا اندازه ای کم، اما بسیار جالب در این رابطه مطالب جمجمه خوانی (\*10) در جنوب قزاقستان است. در حفاریات گورستان ساسیک بولاق اوغوزها توسط آن. برنشتام

انسان های سفید پوست مناطق ترانس خزر (11\*) با سری نسبتا دراز با شاخص زیر هفتادوپنچ با ترکیب قیافه های مغولی دفن شده اند [14].

داده ها و یافته های دیرین شناسی و انسان شناسی فیزیکی شواهد و قراین منابع سده ی یازده را درباره آمیختگی و مخلوط شدن اوغوزها با ملت های و مردمان همجوار تایید می کنند. بخش معین و خاصی از اوغوزهای کوچنده و نیمه کوچنده با جمعیت یکجا نشین مناطق کشاورزی آسیای میانه و قزاقستان ادغام شدند. گروه های انتیکی مشابه، که بطور عمده با ایرانی زبانان اوروآسیا<sup>[1]</sup> یا نژاد قفقازی و از نوع انسان شناسی سفید پوست مترجم<sup>[2]</sup>، آمیختند ترکمن نامیده شدند.

در سده های دهم و یازدهم این نام همچنین به دورگه شده ها و پذیرفته گان دین اسلام ، گروه هایی از قارلوق ها، خالچ ها (خلج ها) و دیگر قبایل ترک زبانی که ساکن مناطق شش و ایسفیجاب بودند بکار برده شد.

در پایان سده دهم - نیمه نخست سده یازدهم در چارچوب های سیاسی دولت یابغو (شاه ترکان اوغوز) سیر دریا پروسه شدید شکل گیری ملیت (ملت) اوغوز روی داد ؛ این پروسه محرکی به تجزیه و از هم پاشیدگی مناسبات کهن خویشاوندی (تبارخونی)، ایجاد مجتمع های ارضی- اقتصادی نوین و پا گرفتن مناسبات فئودالی شد. اما پروسه مورد نظربه پایان خود نرسید و با مرگ دولت اوغوز در میانه سده یازده در نتیجه، جنبش و نهضت قباچاق قطع شد.

قبایل شکست خورده اوغوز از قباچاق ها، بعدا در استپ های روسیه جنوبی، در بالکان و در آسیای صغیر ساکن شدند. بخش قبل توجهی از اوغوزها تحت حاکمیت قره خانیان ماوراء النهر و حاکمان سلجوقی خراسان، گرگان و خوارزم در آمدند. سایر اوغوزهای شکست خورده از قباچاق ها به قبایل ترک زبان دشت قباچاق پیوستند [15].

اوغوزهای سده های میانه نقش زیادی در تاریخ انتیکی خلق ها و ملت های ترک زبان آسیای مرکزی، قزاقستان، ماوراء قفقاز و آسیای صغیر بازی کردند. اخلاف اوغوزها بمتابه یکی از اجزاء، در ترکیب قزاق ها، ازبک ها، قره قالپاق ها، باشقیرهای جنوب منطقه اورال و تاتارهای ولگا وارد شدند.

گروه های جنوبی اوغوزها در شکل گیری و سازند ملت های ترکمن و آذربایجان شرکت فعال داشتند. قبایل اوغوزی، به این ترتیب یکی از نیاکان مشترک پاره ای خلق های ترک زبان کشور ما هستند، که در حال حاضر در خانواده واحد کشورهای سوسیالیستی برادر زندگی میکنند.

+++++

(1\*) هفت رود خانه، هفت رود یا هفت آب: یدی سو- به زبان قزاقی: ژتی سو- یتی سو ، منطقه ای در آسیای مرکزی، واقع در جنوب شرق قزاقستان و شمال قیرقیزستان، و بین دریاچه بالخاش

از شمال، ساسا کول و آلاکول در شمال شرقی است. نام این منطقه از هفت رودخانه ای که به بالخاش میریزد گرفته شده است و یکی از قدیمی ترین منطقه کشاورزی است. ویکیپدیا. مترجم

(\*2) چیهیل قبيله ای شناخته شده از قرن هفتم که در اطراف دریاچه ایسیک کول زندگی میکردند و خورشید و ستارگان را پرستش میکردند و جزیی از قبایل ترک زبان هستند. مترجم

(\*3) امپرتوری ترکان غربی. مترجم

(\*4) در 52 کیلومتری شهر تاشکند از بکستان قرار دارد و به معنی "جایی که سیب رشد" می کند و یا محل "شکوفه های سیب" است - ویکیپدیا. مترجم

(\*5) به عربی و فارسی ، در قرون وسطی نام رود ولگا بوده است. ویکیپدیا. مترجم

(\*6) شهرکنت ، ژان کنت . پایتخت دولت اوغوز واقع در قزاقستان. در منطقه سمت چپ و پایین سیردریا. مترجم

(\*7) ایرتیش رودی که از خاک چین، دامنه شرقی مغولستان ، قزاقستان و روسیه می گذرد و خود شاخه ای از آب است. آب رودی است که سرچشمه آن از سیبری غربی است. ویکیپدیا. مترجم

(\*8) شرف الزمان طاهر بن مروزی . طبیب ملقب به شرف الزمان. وی پزشک دربار ملك شاه سلجوقی (510-500 ق.) بود. از آثار وی: کتاب «طبایع الحیوان»، در علوم طبیعی، کتابی در «جغرافیای عالم»، که اخبار چین و ترك و هند را در آن آورده است. مترجم

(\*9) پاترونومی، شکل ذاتی سیستم قبيله پدرسالارانه اجتماعی یک گروه از خانواده های بزرگ یا کوچک- یک گروه بزرگ و یا خانواده های کوچک که با وحدت خاص اقتصادی و اجتماعی مرتبط است. ویکیپدیا. مترجم

(\*10) مطالعه علمی ویژگی های جمجمه، مانند اندازه و شکل، به خصوص در انسان. مترجم

(\*11) در انسان شناسی فیزیکی: در طبقه بندی های مختلف، قفقازی و یا نژاد اورآسیا نامیده میشود. مترجم]

## فهرست آثار

1- س.گ. آغاچانف. برخی مسایل تاریخ قبایل اوغوز آسیای مرکزی- مجموعه آثار تورکولوژی. 1970. ص. 192-197.

2- لوینا. ال.م. سرامیک های سیردریای سفلی و میانه در هزاره ی اول میلادی. 1972.

3- حدود العالم .آ. جغرافیای ایران. ترجمه و. مینورسکی. لندن. 1937.

4- رشیدالدین. جامع التواریخ. کپی از نسخه خطی موزه بریتانیا.

5- رشید الدین، مجموعه تاریخ، ترجمه ال. آختاگوروا، جلد یک، قسمت یک، اینیگراد 1952، صفحات 86-91.

6- آغاجانف، س.گ. مقالات تاریخ اوغوزها و ترکمن های آسیای میانه سده های نهم – سیزدهم، عشق آباد 1969.

7- Kitab at-tanbih wa'l-israf auctore... al-Masudi, ed. M. 1. de GoeJ'e. Lugduni Batavorum, 1894. - C. 180; 13. Macoudi. Le Livre de l'avertissement et de la revision. Paris, 1897. - C. 244-245

8- ل کوک آ. مانوی ترک از خوچو. رساله کونیگل. آکادمی علوم، گروه فلسفه – تاریخ، 1911.

9- محمود ابن حسین الکاشغری. دیوان لغت ترک، جلد 1-3. استانبول. سال 1333. یادداشت های پ.گ. بولگاکف، تاشکند 1966. ص 304 – 307.

10- آغاجانف، س.گ. مقالات تاریخ اوغوزها و ترکمن های آسیای میانه سده های نهم – سیزدهم، عشق آباد 1969.

11- Macoudi. Les praires d'or, t. 1. Paris, 1851. - C. 212

12- Bergeron P. Voyages faits principalement en Asie. t. I, La Haye, 1735. - C. 49

13- سینیتسین ای.و. پژوهش های باستان شناسی ولگای سفلی و غرب قزاقستان. گزارش کوتاه انستیتوی تاریخ مطالب فرهنگی، جلد 37. 1951.

14- گینزبورگ و.و، فیرشتین ب.ف. مطالبی برای انسان شناسی مردم باستانی غرب قزاقستان - « مجموعه موزه انسان شناسی و مردم نگاری»، 1958.

15- آغاجانف، س.گ. مقالات تاریخ اوغوزها و ترکمن های آسیای میانه سده های نهم – سیزدهم، عشق آباد 1969.